

کتاب میکاه نبی

مقدمه

میکاه نبی هم دوره اشعیای نبی و از اهالی دهکده‌ای در سرزمین یهودا، یعنی سلطنت جنوبی اسرائیل بود. او این کتاب را چند سال پیش از سقوط حکومت شمالی اسرائیل که در ۷۲۲ قبل از میلاد واقع شد، نوشته است.

میکاه نبی می‌دانست که یهودا هم به آن مصیبتی که بر سلطنت شمالی اسرائیل آمد و عاموس نبی آن را پیشگویی نموده بود، گرفتار خواهد شد. میکاه نبی اعلان کرد که خدا مردم یهودا را نیز به خاطر گناه بُت‌پرستی و بی‌عدالتی‌شان مجازات خواهد کرد. اما با وجود این پیشگویی ناامیدکننده، میکاه نبی پیام یک آینده روشن و امیدبخش را نیز خبر می‌دهد. در شروع فصل چهارم، میکاه نبی تصویری از صلح و آرامش جهانی را که تحت رهبری خداوند، پادشاه حقیقی برقرار خواهد شد، بیان می‌کند. میکاه نبی ظهور یک پادشاه بزرگ از نسل داوود را پیشگویی می‌کند که نقشه نجات بشر را طرح نموده و آن را عملی می‌سازد. میکاه نبی محل دقیق تولد این پادشاه بزرگ، یعنی مسیح موعود را، پیشگویی می‌کند.

میکاه نبی هدف خود را خلاصه کرده می‌گوید: «خداوند به ما گفته است که نیکویی چیست و چیزی که از ما می‌خواهد این است که انصاف، رحم و محبت داشته باشیم و با فروتنی در حضور خداوند، خدای خود زندگی کنیم.» (۶:۸)

فهرست موضوعات

داوری اسرائیل و یهودا: فصل ۱ - ۳

برقراری مجدد صلح: فصل ۴ - ۵

پیام هُشدار دهنده و امیدوار کننده: فصل ۶ - ۷

۱ در دوران سلطنت یوتام، آحاز و حزقیا، پادشاهان یهودا، خداوند این پیام را دربارهٔ سامره و اورشلیم در یک رؤیا به میکاه نبی که از شهر مورثت بود، داد:

شهادت بر ضد سامره و اورشلیم

۲ ای همهٔ قومهای جهان، بشنوید!

و ای ساکنان روی زمین، گوش فرا دهید!

خداوند متعال از جایگاه مقدس آسمانی خود

بر ضد شما شهادت می دهد.

۳ خداوند از بارگاه مقدس خود بیرون می آید

و نزول کرده، با قدرت بر فراز کوهها قدم می گذارد.

۴ کوهها در زیر قدمهایش آب می شوند

و درهها از هم جدا می گردند،

مانند موم در برابر آتش

و همچون آبی که به درهها سرازیر می گردد.

۵ همهٔ این وقایع به خاطر نافرمانی و گناه قوم اسرائیل رخ می دهند. علت نافرمانی مردم اسرائیل چیست؟ رهبران شان که در شهر سامره هستند. علت گناه بُت پرستی مردم یهودا چیست؟ رهبران شان که در شهر اورشلیم هستند. ۶ خداوند می فرماید: «پس من سامره را به یک توده ای از خاک و به یک جایی که در آن تاکهای انگور را می نشانند، تبدیل

می‌کنم. سنگ و گل آن را به دره می‌ریزم تا تهدابش نمایان شود.^۷ تمام بُتهایش ذره‌ذره می‌شوند و همه چیزهایی که با مزد فاحشه‌های بتخانه به‌دست آمده‌اند، در آتش می‌سوزند. دشمنان هدیه‌های بُت‌پرستان را تاراج کرده آنها را در جای دیگر برای مزد فاحشه‌ها به کار می‌برند.»

گریه و ماتم برای اورشلیم

^۸ سپس میکاه نبی گفت: «من گریه می‌کنم و ماتم می‌گیرم. از این خاطر با پای لُج و بدن برهنه راه می‌روم و همچون شغالها از غم قوله می‌کشم و مانند شترمرغها نوحه می‌کنم،^۹ زیرا زخم مردم سامره علاج ناپذیر است و مردم یهودا هم به زودی به این بلا دچار می‌شوند. نابودی و ویرانی به دروازه‌های اورشلیم، یعنی مسکن قوم برگزیده من رسیده است.»

^{۱۰} پس میکاه نبی به مردم یهودا گفت: «این خبر را به دشمنان ما در شهر جت نرسانید. نگذارید که کسی صدای گریه شما را بشنود. ای ساکنان شهر بیت‌عفره، از فرط غم و شرمندگی در خاک بغلطید.^{۱۱} ساکنان شهر شافیر، برهنه و سرافکنده تبعید می‌شوند. مردم شهر صعنان جرأت نمی‌کنند که از محل سکونت‌شان خارج شوند. وقتی صدای گریه و ماتم از شهر بیت‌ایزل به گوش‌تان برسد، بدانید که آنجا خالی از خطر دشمن نیست.^{۱۲} ساکنان شهر ماروت در آرزوی رسیدن روزهای بهتری هستند، زیرا خداوند مصیبت را به نزدیک دروازه‌های اورشلیم آورده است.^{۱۳} ای ساکنان شهر لاکیش، اسپها را به گادی‌های جنگی ببندید و فرار کنید، زیرا شما اولتر از همه، از گناهان مردم اسرائیل پیروی کردید و سبب شدید که مردم اورشلیم به راه گناه بروند.^{۱۴} حالا ای مردم یهودا، با شهر مورث جت خداحافظی کنید زیرا امیدی برای نجات آن نیست و برای پادشاهان اسرائیل از شهر اکزب کمکی نمی‌رسد.^{۱۵} ای مردم مریشه، خداوند شما را به‌دست دشمنان‌تان تسلیم می‌کند. آنها شهر شما را تصرف می‌کنند و رهبران اسرائیل به مغاره عدولام پناه می‌برند.^{۱۶} ای مردم یهودا، در غم فرزندان محبوب‌تان نوحه کنید. از

غصه سرهای تان را مانند کلمرغ بتراشید، زیرا دشمنان شما فرزندان تان را به کشورهای دور به اسارت می‌برند.»

سرنوشت کسانی که در حق فقیران ظلم می‌کنند

^۱ وای بر شما که نقشه‌های پلید می‌کشید، شب بر بسترهای خود در مورد کارهای شیرانه فکر می‌کنید و وقتی که صبح می‌شود، آنها را عملی می‌سازید زیرا قدرت انجام دادن آن را دارید. ^۲ به زمین و خانه مردم طمع می‌ورزید و آنها را از ایشان به زور می‌گیرید. مال و خانه هیچ‌کسی از دست شما در امان نیست.

^۳ بنابراین خداوند می‌فرماید: «من تصمیم گرفته‌ام بر سر شما چنان بلایی را نازل کنم که نتوانید از آن فرار کنید. به روزگار بد گرفتار می‌شوید و دیگر با غرور قدم بر نمی‌دارید. ^۴ در آن روز، دشمن بر شما طعنه خواهند زد و با تمسخر در مورد شما نوحه‌سرایي نموده، خواهند گفت:

ما کاملاً تباه شدیم،

زیرا خداوند سرزمین ما را از ما گرفت

و بین مردمی تقسیم کرد

که ما را به اسارت بردند.»

^۵ پس زمانی که خداوند سرزمین را به قوم برگزیده خود بازگرداند، شما از آن سهمی نمی‌گیرید.

^۶ اما مردم به من می‌گویند: «برای ما موعظه نکن و این حرفها را به زبان نیاور. خدا نمی‌خواهد که ما خوار و رسوا شویم.

^۷ ای خاندان یعقوب، آیا می‌دانید که مورد نفرین خداوند قرار گرفته‌اید؟ آیا فکر می‌کنید که صبر او تمام شده است؟ آیا او واقعاً با شما چنین رفتار می‌کند؟ آیا کلام او به کسانی که اعمال و کردار نیک داشته باشند، نیکو نیست؟»

^۸ خداوند می‌فرماید: «اما شما بر ضد قوم برگزیده من برخاسته و دشمن آنها شده‌اید. مردانی که از میدان جنگ برمی‌گردند، به این امید می‌باشند که در وطن خود در امان خواهند بود اما شما لباس‌شان را می‌زدید و آنها را برهنه می‌کنید. ^۹ زنان قوم برگزیده مرا از خانه‌های دلپذیرشان بیرون می‌رانید و کودکان آنها را از حق و برکتهایی که من به آنها داده‌ام، برای همیشه محروم می‌کنید. ^{۱۰} برخیزید و بروید! دیگر در اینجا در امان نخواهید بود، زیرا به خاطر گناهان شما اینجا محکوم به فنا شده است.

^{۱۱} اگر شخص دروغگو و فریبکاری بیاید و با شما درباره لذت شراب و باده‌نوشی حرف بزند، فوراً او را به پیامبری می‌پذیرید.»

وعدۀ نجات برای نسل یعقوب یعنی اسرائیل

^{۱۲} خداوند می‌فرماید: «ای اسرائیل، من تمام خاندان و بازمانده‌گان تو را جمع کرده و مانند گوسفندها در طویله برمی‌گردانم. جمعیت آنها افزایش می‌یابد و شور و غوغای‌شان دشت و دمن را پُر می‌کند. ^{۱۳} راه را برای‌شان باز می‌کنم. آنها را از اسارت نجات داده به سرزمین خودشان هدایت می‌نمایم و من، خداوند، پادشاه و پیشوای آنها می‌شوم.»

میکاه نبی رهبران اسرائیل را سرزنش می‌کند

^{۱۴} ای بزرگان خاندان یعقوب، یعنی ای رهبران اسرائیل، بشنوید! شما باید عدالت را به جا آورید، ^۲ اما برعکس، شما از خوبی نفرت داشته و بدی را دوست دارید. قوم مرا زنده پوست می‌کنید و گوشتی بر استخوان آنها باقی نمی‌گذارید. ^۳ گوشت آنها را

می‌خورید، پوست آنها را از بدن‌شان جدا کرده، استخوانهای‌شان را مانند گوشت تکه‌تکه می‌کنید و در دیگ می‌اندازید.^۴ آنگاه به حضور خداوند دعا و زاری می‌کنید، ولی او دعای شما را نمی‌شنود و به‌خاطر اعمال و کردار زشت‌تان، روی خود را از شما می‌پوشاند.

^۵ خداوند می‌فرماید: «ای انبیای جعلی، شما قوم برگزیدهٔ مرا گمراه کرده‌اید. کسی که به شما پول می‌دهد، برایش دعای خیر می‌کنید و کسی را که پول نمی‌دهد، تهدید می‌نمایید.^۶ روز روشن شما به پایان رسیده است و آفتاب بر شما نخواهد تابید تا دیگر رؤیایی نبینید و پیشگویی نکنید.^۷ فالبینان و آنهایی که آینده را پیشگویی می‌کنند، شرمنده و رسوا می‌شوند و از خجالت روی خود را می‌پوشانند.»

^۸ اما من سرشار از قدرت روح خداوند هستم و با جرأت می‌توانم یعقوب را به نافرمانی او و قوم اسرائیل را به گناهان‌شان متوجه سازم.

^۹ پس ای بزرگان خاندان یعقوب! ای رهبران قوم اسرائیل که از عدالت نفرت داشته و راستی را گناه جلوه می‌دهید، به حرف من گوش بدهید!^{۱۰} شما صهیون را به خون و اورشلیم را بر ظلم و بی‌عدالتی بنا کرده‌اید.^{۱۱} حاکمان شما رشوت می‌خورند، کاهنان‌تان تا مزد نگیرند، تعلیم نمی‌دهند و انبیای شما هم به رایگان نبوت نمی‌کنند. ولی با این حال می‌گویید که چون خداوند با ما است، هیچ ضرری به ما نمی‌رسد.

^{۱۲} پس به‌خاطر شما، کوه صهیون مانند کشتزاری قلبه شده و شهر اورشلیم به یک ویرانه تبدیل می‌گردد. آن کوهی که خانهٔ خداوند بر آن قرار داشت، به یک جای پُر از خار و خس تبدیل می‌گردد.

صلح ابدی تحت ملکوت خداوند

^۴ در زمان آخر، کوهی که خانه خداوند بر آن بنا یافته است، بلندترین کوه دنیا و بالاتر از همه تپه‌ها می‌شود و ملت‌های زیادی به آنجا می‌آیند^۲ و می‌گویند: «بیایید به کوه خداوند یعنی خانه‌ی خدای یعقوب برویم. خداوند به ما راهی را که انتخاب کرده است، نشان می‌دهد تا مطابق آن رفتار کنیم، زیرا شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر می‌شود.»

^۳ خداوند در میان قوم‌های جهان داوری می‌کند و اختلافات ملت‌های بزرگ را در دور و نزدیک حل و فصل می‌نماید. مردم از شمشیرهای خود قلبه و از نیزه‌های خود داس می‌سازند. قومی به روی قوم دیگری شمشیر نمی‌کشد و به جنگ و خونریزی خاتمه داده می‌شود.^۴ هرکس در تاکستان و در زیر سایه درخت انجیر خود، بدون ترس در صلح و آرامش زندگی می‌کند. این وعده را خداوند قادر مطلق داده است.

^۵ قوم‌های جهان به عبادت خدایان خود می‌پردازند و از آنها پیروی می‌کنند، ولی ما برای همیشه خداوند، خدای خود را عبادت می‌کنیم و پیرو احکام و هدایت‌های او می‌باشیم.

بازگشت قوم اسرائیل به وطن

^۶ خداوند می‌فرماید: «در آن روز مردمان لنگ و غمدیده را که از دیارشان رانده شده و جزا دیده بودند، جمع می‌کنم.^۷ از اشخاص لنگ و بازمانده‌گان قوم که در تبعید به سر می‌برند، یک قوم نیرومند می‌سازم. من در کوه صهیون، از آن روز تا به ابد، بر آنها سلطنت می‌کنم.»

^۸ ای تپه شهر اورشلیم، تو مانند برج دیده‌بانی خداوند هستی. او از بالای تو مراقب قوم برگزیده خود است و تو را مانند زمان سابق، پایتخت سلطنت مقتدری می‌سازد.^۹ چرا فریاد می‌زنی؟ چرا مانند زنی که در حال زایمان باشد، درد می‌کشی؟ آیا به خاطر این

است که پادشاه نداری و مشاورین تو همه مُرده‌اند؟^{۱۰} ای مردم اورشلیم، مانند زنی که می‌زاید، از درد به خود بیچید و ناله کنید، زیرا شما باید از این شهر بیرون بروید و در صحرا زندگی کنید. شما به قلمرو بابل بُرده می‌شوید اما در آنجا خداوند به دادتان می‌رسد و شما را از دست دشمنان نجات می‌دهد.^{۱۱} قومهای زیادی بر ضد تو با هم متحد شده‌اند و می‌گویند: «صهیون باید نابود شود! ما این شهر را خراب می‌کنیم!»^{۱۲} اما آنها از ارادهٔ خداوند آگاه نیستند و نمی‌دانند که خداوند آنها را مانند خوشه‌های گندم برای کوبیدن در خرمنگاه جمع می‌کند.

^{۱۳} خداوند می‌فرماید: «ای مردم اورشلیم، برخیزید و دشمنان‌تان را به زیر قدمهای‌تان پایمال کنید. من به شما قدرت و نیرو می‌بخشم و مانند گاو نر شاخهای آهنین و سُمهای برنجی عطا می‌کنم تا قومهای زیادی را شکست بدهید. اموالی را که به زور و جبر به دست آورده‌اند، از آنها بگیرید و به من، خداوند که مالک تمام جهان هستم، تقدیم کنید.»

۵ ای مردم اورشلیم، لشکرهای خود را جمع کنید و آماده شوید، زیرا شهرتان محاصره شده است! دشمنان بر رهبر اسرائیل حمله می‌کنند.

وَعْدَةُ ظَهْوَرِ يَك رَهْبِرِ از بَيْتِ لِحْمِ

^۲ خداوند می‌فرماید «ای بَيْتِ لِحْمِ اِفْرَاثَه، اگرچه تو یکی از کوچکترین شهرهای یهودا هستی، با اینهم از تو رهبری ظهور می‌کند که از ازل وجود داشته است و بر قوم اسرائیل سلطنت می‌کند.»

^۳ خداوند قوم برگزیدهٔ خود را تا زمانی که زن حامله پسر خود را به دنیا بیاورد، به دست دشمن تسلیم می‌کند. آنگاه بقیهٔ مردمی که در تبعید به سر می‌برند، به وطن خود برمی‌گردند و با سایر قوم اسرائیل یکجا می‌شوند.^۴ وقتی آن رهبر بیاید، با قدرت و

جلال خداوند، خدای خود، مردم خود را رهبری می‌کند. قوم برگزیده او در آرامش و امنیت به سر می‌برند، زیرا مردم سراسر روی زمین از بزرگی و عظمت او آگاه می‌شوند^۵ او صلح و سلامتی را به جهان می‌آورد.

وقتی مردم آشور به کشور ما حمله کنند و استحکامات دفاعی ما را درهم شکنند، ما تمام رهبران شجاع و نیرومند خود را به مقابله آنها می‌فرستیم.^۶ آنها با زور شمشیر، آشور یعنی کشور نمرود را فتح می‌کنند. اگر آشوریان به سرزمین ما حمله کنند، آنگاه آن رهبر ما را از دست آنها نجات می‌دهد.

^۷ آنگاه بازمانده‌گان قوم اسرائیل که در بین قومهای دیگر زندگی می‌کنند، برای آنها مانند شب‌بنم و باران از جانب خداوند برکت می‌آورند. آنها به خداوند توکل می‌کنند، نه به انسان.^۸ بازمانده‌گان اسرائیل در بین قومهای دیگر مانند شیر در میان حیوانات جنگل و رمه‌های گوسفند می‌باشند که هنگام عبور همه را پایمال می‌کنند و می‌درند و کسی نمی‌تواند آنها را نجات بدهد.^۹ قوم اسرائیل بر دشمنان غالب می‌شود و همه آنها را از بین می‌برد.

خداوند اسرائیل را تأدیب می‌کند

^{۱۰} خداوند به مردم اسرائیل می‌فرماید: «در آن روز تمام اسپها و گادی‌های جنگی شما را نابود می‌سازم.^{۱۱} همه شهرهای سرزمین‌تان را با قلعه‌های‌شان خراب می‌کنم.^{۱۲} جادوگری را در میان شما از بین می‌برم و به زندگی فالگیران خاتمه می‌دهم.^{۱۳} بتها و ستونهای مذهبی شما را می‌شکنم تا دیگر چیزهای ساخته دست خود را سجده و پرستش نکنید.^{۱۴} مجسمه‌های بت‌اشیره را شکستاده و شهرهای‌تان را ویران می‌کنم.^{۱۵} من با خشم و غضب خود از آن قومهایی که از من اطاعت نمی‌کنند، انتقام می‌گیرم.»

شکایت خداوند بر ضد اسرائیل

۶^۱ به آنچه که خداوند می‌فرماید، گوش بدهید:

برخیزید، دعوای خود را بر کوه‌ها بیان کنید و بگذارید که تپه‌ها کلام شما را بشنوند.

۲^۲ حال به دعوای خداوند گوش دهید! ای کوه‌ها، ای بنیادهای جاویدانی زمین، خداوند از قوم برگزیده خود شکایت دارد و اسرائیل را متهم می‌سازد.

۳^۳ خداوند می‌فرماید: «ای قوم برگزیده من، من به شما چه کرده‌ام؟ چه باری را بر شما تحمیل کرده‌ام؟ جواب بدهید! ۴^۴ من شما را از مصر بیرون آوردم و از بند غلامی و اسارت آزاد کردم. موسی، هارون و مریم را فرستادم تا شما را راهنمایی کنند. ۵^۵ ای قوم برگزیده من، به یاد آورید که بالاق، پادشاه موآب چه نقشه‌ای برای نابودی شما داشت و بلعام، پسر بعور به او چه جواب داد و از شیطیم تا شهر جلیجال چه اتفاق افتاد. اینها را به خاطر بیاورید تا بدانید که من برای نجات و سلامتی شما چه کارهایی کرده‌ام.»

خواست خداوند از ما انصاف، رحم و محبت است

۶^۶ با چه چیزی به حضور خداوند متعال بیایم و او را سجده کنم؟ ۷^۷ اگر بهترین گوساله یک ساله را جهت قربانی سوختنی بیاورم، آیا خداوند از من خوشنود می‌شود؟ اگر هزاران قوچ و ده‌ها هزار نهر لبریز از روغن زیتون را هدیه کنم، آیا خداوند از من راضی می‌شود؟ اگر فرزند اول خود را برای گفاره گناه خود قربانی کنم، آیا گناه مرا می‌بخشد؟ نخیر! چنین نیست. ۸^۸ زیرا خداوند به ما گفته است که نیکویی چیست. آنچه او از ما می‌خواهد این است که انصاف، رحم و محبت داشته باشیم و با فروتنی در حضور خداوند، خدای خود زندگی کنیم.

خداوند به شریان هُشدار می دهد

^۹ به آواز خداوند که در شهر ندا می دهد، گوش بدهید. شخص عاقل کسی است که به نام خداوند احترام داشته باشد. خداوند می فرماید: «ای مردمی که در شهر جمع شده‌اید، بشنوید! ^{۱۰} خانه‌های گناهکاران پُر از اموالی است که از راه دزدی و با ترازوهای تقلبی به دست آمده‌اند. ^{۱۱} پس چطور می توانم این اشخاص را که از سنگ و ترازوی تقلبی کار می گیرند، ببخشم؟ ^{۱۲} ثروتمندان شما به مردم ظلم می کنند، مردم شما دروغ می گویند و حرف راست از زبان‌شان شنیده نمی شود. ^{۱۳} بنابراین به خاطر گناهان‌تان، تصمیم گرفته‌ام که شما را با ضربهٔ شدید مجروح ساخته و نابود کنم. ^{۱۴} هر قدر بخورید، سیر نمی شوید و همیشه از گرسنه‌گی رنج می برید. مال و ثروت ذخیره می کنید اما همه را از دست می دهید، زیرا آنچه را که جمع کرده‌اید، در جنگ از بین می برم. ^{۱۵} خواهید کاشت، ولی درو نخواهید کرد. از زیتون روغن خواهید کشید، اما خودتان از آن استفاده نخواهید کرد. از انگور شراب خواهید ساخت، مگر از آن نخواهید نوشید، ^{۱۶} زیرا شما از اعمال پلید عمری پادشاه و پسرش اخاب پیروی می کنید. مشوره و کارهای آنها را سرمشق خود قرار می دهید. پس من شما را از بین می برم تا مورد تحقیر مردم جهان قرار گیرید و خوار و رسوا شوید.»

فساد اخلاقی قوم اسرائیل

^۷ ^۱ وای به حال من! زیرا به شخص گرسنه‌ای می مانم که وقتی میوهٔ تابستانی چیده می شود، بر درختها میوه‌ای و بر تاکها انگوری نمی یابد و هیچ انجیری برای رفع گرسنه‌گی خود پیدا نمی کند. ^۲ مردم نیک از روی زمین نابود شده‌اند و هیچ شخص خداشناسی در بین مردم دیده نمی شود. همه برای ریختن خون برادران خود در کمین نشسته و برای کشتن یکدیگر دام گسترده‌اند. ^۳ دستهای‌شان برای شرارت و جنایت مهارت دارد. حاکم و قاضی هر دو رشوت می گیرند. اشخاص بزرگ و با نفوذ به آنها

می‌گویند که چه میل دارند و چه می‌خواهند و آنها هم برای نفع ایشان نقشه می‌کشند.
۴ بهترین افرادشان مانند خار هستند و حتی اشخاص نیک آنها بدتر از خس و خار
می‌باشند.

همان‌طور که انبیا هشدار داده بودند، روز مجازات آنها فرارسیده است و همه مضطرب و
پریشان می‌شوند. ۵ به همسایه و دوست خود اعتماد نکن، حتی به همسرت اعتماد نکن
و متوجه حرف دهانت باش. ۶ در این روزگار پسر، پدر خود را توهین می‌کند. دختر
مخالف مادر است و عروس با خشوی خود جنگ و دعوا می‌کند. اهل خانه یک
شخص، دشمن او می‌باشند.

۷ اما چشم امید من به‌سوی خداوند است و با اعتماد کامل منتظرم تا خدا مرا نجات
بدهد. خدای من دعای مرا قبول می‌کند.

خداوند قوم اسرائیل را نجات می‌دهد

۸ ای دشمنان ما بر روزگار بد ما خوشی نکنید، زیرا اگرچه بیفتیم، دوباره برمی‌خیزیم.
هرگاه در تاریکی باشیم، خداوند، خودش نور و روشنی ما می‌شود. ۹ ما در برابر خداوند
گناه کرده‌ایم، بنابراین باید برای مدتی قهر و غضب او را متحمل شویم اما بالاخره در
برابر دشمنان از ما حمایت می‌کند و آنها را به‌خاطر بدی‌هایی که در حق ما کرده‌اند،
مجازات می‌کند. او ما را از تاریکی به روشنی هدایت می‌نماید و ما کار نجات‌بخش او
را مشاهده می‌کنیم. ۱۰ آنگاه دشمنانی که از روی طعنه به ما می‌گفتند: «خداوند، خدای
شما کجاست؟» چون می‌بینند که خداوند حامی ماست، شرمنده و سرافکننده می‌شوند و
با چشمان خود خواهیم دید که آنها مانند گلِ کوچه پایمال می‌گردند.

۱۱ ای اسرائیل، روزی فرامی‌رسد که دیوارهای شهرهای دوباره آباد می‌شوند و مرزهای
تا به نقاط دور توسعه می‌یابند. ۱۲ در آن روز مردم تو از آشور و مصر، از نواحی دریای
فرات، از سواحل بحرها و کوهستان‌های دوردست پیش تو برمی‌گردند، ۱۳ اما سایر

کشورهای روی زمین به خاطر گناهان ساکنان شان ویران می شوند.

دعا برای رحمت خداوند بر اسرائیل

^{۱۴} ای خداوند، بیا و چوپان و رهبر قوم برگزیده ات باش و آنها را که همچون گوسفندها در جنگلها تنها مانده اند، مانند دوران گذشته به چراگاه های سرسبز باشان و جلعاد هدایت فرما.

^{۱۵} خداوند می فرماید: «مانند زمانی که شما را از کشور مصر بیرون آوردم، برای شما معجزه های بزرگ نشان می دهم. ^{۱۶} قومهای دیگر کارهای مرا می بینند و با وجود تمام قدرتی که دارند، شرمند می شوند. آنها از ترس دست بر دهان خویش گذاشته و گوشهای شان کر می گردند. ^{۱۷} مانند مار زمین را می لیسند و مانند خزنده گان از غارهای خود بیرون خزیده با ترس و لرز به سوی من که خداوند، خدای شما هستم، برمی گردند.»

^{۱۸} ای خداوند، هیچ خدایی مانند تو نیست. تو گناهان را می آمرزی و نافرمانی بازمانده گان قوم برگزیده ات را می بخشی و به خاطر رحمت و شفقتی که داری، برای همیشه خشمگین نمی مانی. ^{۱۹} دوباره بر ما مهربان می شوی. گناهان ما را به زیر قدمهایت پایمال می کنی و همه آنها را در اعماق بحر می افکنی. ^{۲۰} به وعده ای که به قوم برگزیده ات، یعنی اولاده ابراهیم و یعقوب داده ای وفادار بوده و آنها را از محبت پایدارت برخوردار می سازی.